

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: النا پوستاویتوا (ELENA PUSTOVOYTOVA)

برگردان: ا. م. شیری

۲۲ اکتوبر ۲۰۲۳

برای اروپا «اسرائیل» آماده می‌شود



«واضح است که این حمله مجوز بسته شدن کتاب موجودیت فلسطین را داشته است»

شایعات مبنی بر این که خود اسرائیل حمله ۷ اکتوبر حماس را تحریک کرد، به سرعت با جزئیاتی تکمیل می‌شود که آن را به یک واقعیت عینی جدی تبدیل می‌کند.

حتی یک نگاه گذرا به گذشته منطقه، به نقطه درد آن، یعنی مسجد الاقصی، سومین مکان مقدس اسلام پس از مکه و مدینه که در قرن هشتم بعد از میلاد در کوه معبد ساخته شد، آشکار می‌شود که محرک تمام جنگ‌های دو دهه اخیر در فلسطین بوده است. دقیقاً با الاقصی و بیت‌المقدس است که سنت مسلمانان زندگی پیامبران از داوود و سلیمان را به یحیی و عیسی پیوند می‌دهد. در سال ۱۳۵ پس از میلاد، هنگامی که سپاه ژولیوس سپتیمیوس سوروس یهودیانی را که علیه روم شورش کرده بودند، شکست داد، اورشلیم را تقریباً به طور کامل ویران کردند و پس از آن، استان جدیدی به نام «سوریه فلسطین» به جای یهودیه ظاهر شد. بیانیید فعلاً تاریخ اخراج بی‌پایان یهودیان از کشورهای اروپائی و آسیائی را کنار بگذاریم، واقعیت‌های موجود را در نظر بگیریم: اکنون پنجره‌های مجموعه الاقصی، مکان مقدس مسلمانان به دیوار غربی یهودیان- کوه معبد، مقدس‌ترین مکان آن‌ها، جایی که طبق افسانه کتاب مقدس، ۳۰۰۰ سال پیش، سلیمان پادشاه اولین معبد را در آن ساخت، مشرف است.

اسرائیل در جریان جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ بیت‌المقدس را از فلسطینیان تصرف کرد و آن را به همراه بقیه قدس شرقی و بخش‌های مجاور کرانه باختری ضمیمه کرد. به دنبال آن، شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۲۲ نومبر قطعنامه شماره ۲۴۲ را به اتفاق آراء تصویب کرد و خواستار عقب‌نشینی نیروهای نظامی اسرائیل از اراضی اشغالی شد. در سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۸۷ اولین انتفاضه فلسطین علیه اشغالگران اسرائیلی انجام شد. انتفاضه دوم- انتفاضه الاقصی، ادامه انتفاضه اول بود و پس از آن آغاز شد که در ۲۸ سپتمبر سال ۲۰۰۰، آریل شارون، رهبر حزب لیکود،

تحت محافظت صدها پولیس، گروهی از قانونگذاران اسرائیلی را به طرز نمایشگرانه به کوه معبد، جایی که ورود یهودیان فقط با مجوز وقف اسلامی (اداره امور مسجدالاقصی) امکان‌پذیر است، هدایت کرد. فلسطینی‌ها اعتراض کردند و درگیری‌های خشونت‌آمیزی رخ داد که به سرعت به انتفاضه دوم فلسطینی‌ها تبدیل شد و یک سال بعد به آغاز جنگ ۱۰ روزه با غزه انجامید.

یهودیان در گذشته مکرراً به قلمرو الاقصی که توسط سازمان بنیاد اسلامی بیت‌المقدس تحت توافقنامه ۲۶ اکتوبر ۱۹۹۴ بین اسرائیل و اردن اداره می‌شود، نفوذ کرده‌اند. اما از سال ۲۰۰۳، آن‌ها با بی‌اعتنائی به اجازه تشکیلات خودگردان فلسطین، یکجانبه تصمیم گرفتند که با همراهی پولیس حق ورود به مکان مقدس مسلمانان را داشته باشند.

حالا در سال جاری، در شب چهارم اپریل، چند صد فلسطینی که می‌دانستند یهودیان علی‌رغم ممنوعیت، برای انجام مراسم قربانی، برای رفتن به معبد آماده می‌شوند، وسایل آتش بازی، چوب و سنگ با خود به مسجد الاقصی بردند و بعد از نماز، در داخل مسجد سنگر گرفتند. در پاسخ، پولیس مسلح اسرائیل به مسجد یورش برد، نارنجک‌های بیهوش‌کننده و گلوله‌های لاستیکی شلیک کرد، فلسطینیان را با باتوم مورد ضرب و شتم قرار داد و بیش از ۵۰ نفر را مجروح کرد. در ششمین روز جشن سوکوت یهودیان در ۵ اکتوبر، ۸۳۲ یهودی متعصب با همراهی پولیس اسرائیل به مسجد الاقصی یورش برد. در مجموع، از آغاز این جشن، یعنی از ۲۹ سپتمبر، ۵۰۵۷ شهروند فلسطینی یهودی علیه زیارتگاه اسلامی به اقدامات تحریک‌آمیز دست زدند و فلسطینی‌ها با راکت‌های قسام و عملیات «طوفان الاقصی» پاسخ دادند.

در این باره که چرا تل‌آویب به یک جنگ جدید نیاز دارد، حتی یک سوال هم مطرح نشده است. اسرائیل پس از هر درگیری مسلحانه با فلسطینی‌ها، وسعت خود را به میزان قابل توجهی افزایش داده است. اما بقایای کوچک فلسطین که هنوز توسط ارتش اسرائیل اشغال نشده و از سوی ۱۳۸ کشور عضو سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته می‌شود، باعث دل‌درد یهودیان می‌شود.

از همه مهمتر، اگر به نقشه میدابین نفت و گاز این منطقه نگاه کنید، مسأله ضرورت وجود «منافع ستراتیژیک امریکا» در اینجا به خودی خود منتفی می‌شود. و آن را می‌توان با اطمینان بیشتر از طریق پرورش اسرائیلی امریکا، که سالانه ۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دالر «خورشت» دریافت می‌کند، تأمین کرد. یعنی امریکا روزانه بیش از ۱۳.۱ میلیون دالر از جیب مالیات‌دهندگان امریکائی به تل‌آویب، پیش از همه، برای تسلیحات ارسال می‌کند.

حالا بیائید به جواب این سوال ببینیم که چگونه ممکن است جنگنده‌ترین و آموزش دیده‌ترین ارتش جهان در ۷ اکتوبر اشتباه کند؟ هر روز جزئیات شگفت‌انگیز جدیدی پدیدار می‌شود. مجله اینترنتی کانادائی گلوبال ریسرچ مقاله‌ای از یکی از فرماندهان سابق یکی از بخش‌های حصار جنگی را منتشر کرده و از آن نتیجه می‌گیرد که این یک «سد امنیتی غیرقابل عبور اسرائیل در اطراف نوار غزه است». علاوه بر این، به عقیده فرمانده گردان «کرم شالوم» که منطقه را بسیار خوب می‌شناسد، به طور کلی غیرممکن است که حماس بتواند به یک حمله غافلگیرانه دست بزند. او می‌گوید: «در اینجا چیزی به نظر نمی‌رسد!!! این رازی است که من نمی‌توانم پاسخی برای آن بیابم. می‌دانم اوضاع در نوار غزه و در مرز چگونه است. من فرمانده بخش کرم شالوم (رفج) بودم، بخش کیسوف را به عهده داشتیم، حصار محیط را خوبی می‌شناسم و می‌دانم ارتش در آنجا چگونه کار می‌کند. من در اردوگاه آوارگان الشاطی در نوار غزه بودم، اردوگاه پناهندگان جبالیا را رهبری کردم، کمین‌هایی را روی حصار و در داخل قلمرو برپا کردم. من با ساکنان غزه ملاقات داشتیم ... موانع به گونه‌ای ساخته شده که حتی یک روباه هم نمی‌تواند از آن عبور کند».

واقعاً هم، این «حصار» به هشدار مطابق بالاترین سطوح حفاظتی مجهز است. هنگامی که آن را قطع کنند، تجهیزات هشدار می‌دهند. سربازانی که به آن خدمت می‌کنند، به صورت شبانه روزی و هفت روز در هفته کار می‌کنند، به طوری که در عرض چند دقیقه، اگر نگوئیم چند ثانیه، می‌توانند به محلی که علامت هشدار روی حصار ظاهر شده، برسند. هر واحد امنیتی دارای یک گروه ذخیره برای مواقع اضطراری است. دستگاه‌های نظارتی پراکنده در طول مرز هر اینچ از آن را زیر نظر دارند. هر حرکتی حتی قبل از اقدام به ممانعت، روز یا شب تشخیص داده می‌شود. ردیاب‌هایی که در امتداد یک محور حرکت می‌کنند، می‌توانند رد پا را تشخیص دهند و بدانند چه کسی و حتی چه زمانی از خط گذشته است. این در اصل یک خط مقدم دارای تانک‌ها، دستگاه‌های شناسایی و تکتیراندازها است. در اینجا، همه روزه قبل از طلوع، مراسم «زنگ سپیده دم» اجراء می‌شود. در این ساعت همه نیروها بیدارند، شیفت شب جای خود را به شیفت روز می‌دهد. فرمانده هر گروه، محور امنیتی را بازرسی می‌کند تا مطمئن شود که در طول شب هیچ گونه نفوذی روی نداده است... و این دقیقاً همان ساعتی بود که صدها رزمنده حماس به اسرائیل حمله کردند.

فرمانده بخش «کرم شالوم» می‌پرسد: «پس چگونه یک ترانکتور فلسطینی بدون مواجهه با هیچ مانعی به حصار رسید؟ چگونه صدها «تروریست» و غیرنظامی بدون این که کسی از طرف ما یک انگشتش را تکان دهد، از دیوار عبور کردند؟ چگونه تروریست‌های سر تا پا مسلح، پیاده و سوار بر خودرو، بدون هیچ واکنشی از سوی ما، به ده‌ها شهرک اسرائیلی رسیدند؟ چرا حتی یک گلوله هم به سمت آن‌ها شلیک نشد؟ همه این‌ها چطور در زیر بینی ما اتفاق افتاد؟ هزاران سرباز کجا رفته بودند؟»

تحلیل‌گران کانادایی با توجه به توانایی‌های حائل امنیتی و اظهارات جنرال حلوی اسرائیلی که به ناتوانی نیروهای دفاعی در حفاظت از اسرائیل در برابر حماس اذعان کرد، به یک نتیجه ساده و قابل فهم می‌رسد:

«واضح است که این حمله مجوز بسته شدن کتاب موجودیت فلسطین را داشته است.»

و در اینجا، همانطور که می‌گویند، بیایید با دقت بیشتر وارد جزئیات شویم. البته، واشینگتن اجازه داد و اولین طرفی بود که به تل ابیب کمک کرد تا از «تروریست‌ها» انتقام بگیرد. اروپا با سرکوب هر کسی که ادعای حمایت از فلسطینی‌ها را دارد، از سال ۱۹۴۷ هیچ کاری برای جلوگیری از تسلط اسرائیل بر فلسطین انجام نداده است و امروز هم هیچ کاری نمی‌کند. بر اساس ابعاد فاجعه‌ای که رخ داده، واضح است که اسرائیل انتظار هیچ مقاومتی از غرب ندارد. اما حتی این هم مهمترین مسأله نیست. فوق‌العاده مهم این است که از دیدگاه دکتر پل کریگ رابرتز، اقتصاددان و مفسر سیاسی مشهور امریکائی، نخست وزیر نتانیاوو، در مارچ ۲۰۱۹، طی بیانیه‌ای به اعضای کنست از حزب لیکود، اتحاد نزدیک خود را با حماس... به ترتیب آتی بیان کرد: **«هرکسی که می‌خواهد از تشکیل کشور فلسطینی جلوگیری کند، باید از حماس حمایت کند و به آن پول بدهد. این بخشی از ستراتیژی ما برای جدا کردن فلسطینیان غزه از فلسطینیان کرانه باختری است.»**

امروز «بولدوزر ارتش اسرائیل» آماده است تا هر آنچه را که از غزه باقی مانده، با خاک یکسان کند و دقیقاً برای رها کردن ترمز آن بود که تحریک حماس در ۷ اکتوبر سال جاری طراحی و اجراء شد. متصدیان تل ابیب پس از یک تحریک به همان اندازه بزرگ مانند برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی که افغانستان را در خون غرق کردند، به راحتی قابل مشاهده هستند.

می‌توان از تصور این که نتانیاوو صدها شهروند خود را به قتل رساند تا با بمباران فرشی، از فلسطین به خاطر زنده بودنش انتقام بگیرد، به خود لرزید.



اما یک ملاحظه دیگر در رابطه با مقاله گلوبال ریسرچ: عملیات طوفان الاقصای حماس با دقت طراحی شده بود. برای شروع آن، از یک «علامت» ویژه استفاده شد و آن، «نقشه جدید خاورمیانه» بود که بنیامین نتانیاهاو در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سپتامبر به نمایش عمومی گذاشت. در این نقشه، فلسطین به طور کلی وجود نداشت. این واقعیت هم که امریکا و دیگر کشورهای ناتو کاملاً آماده‌اند تا نقشه‌ای به جهان ارائه دهند که در آن روسیه اصلاً وجود نداشته باشد، برای همه آشکار است. و این واقعیت نیز که واشنگتن تحت هیچ شرایطی کمک مالی به کنیف را متوقف نخواهد کرد و آن را برای ایفای نقش «اسرائیل» دوم اروپای شرقی آماده می‌کند، آشکار است. آیا ما با این موافقیم؟

ملاحظات مترجم:

در هر مبارزه، در هر عملیات، در هر اقدام و حتی در هر معامله تجاری، اساساً طرفین، به خصوص، طرف پیشنهاد دهنده یا آغازکننده، سود و زیان، خسارات و ضررهای مادی و معنوی احتمالی خود را برآورد و پیش‌بینی می‌کنند و آن را مبنای حرکت خود قرار می‌دهند.

در رابطه با جنگ اسرائیل و حماس، قابل قبول نیست که جهاد اسلامی و حماس به ماهیت ضدبشری و درنده‌خوئی خارج از تصور صهیونیسم به طور کلی، رژیم جعلی-صهیونیستی اسرائیل به ویژه وقوف کامل نداشته و ندارند. با این درک و صرف‌نظر از مسائل مطروحه در مقاله حاضر، همچنین، با نفی تمام و کمال احتمال هر گونه تبنانی و توطئه، دسیسه و سازش و با اشاره به افسانه‌پردازی‌های تاریخی جنایتکاران جهانی، به ویژه، افسانه‌سرائی‌های متأخر آن‌ها، من جمله، حمله «تروریست‌های اسلامی» به برج‌های دوقلوی تجارت جهانی، برج سلیمان و پنتاگون در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، که نه لاشه، حتی یک تکه از ۵ هواپیمای ظاهراً «رَبوده شده» به دست نیامد، اما پاسپورت‌های «تروریست‌ها» در میان خرابه‌های برج‌ها پیدا شد؛ حمله آنگلساکسون‌ها به عراق بر اساس افسانه وجود سلاح‌های کشتار جمعی در این کشور و یا افسانه ایرانی «بیداری اسلامی» با آغاز حوادث خونین تونس، مصر، یمن، نابودی لیبیا، جنگ ادامه‌دار ۱۲ ساله در سوریه و غیره در سال ۲۰۱۱ و با اعلام این که راقم این سطور با تاریخچه پیدایش پادگان آنگلساکسون‌ها در خاورمیانه -اسرائیل- و رنج‌ها و دردهای مردم فلسطین به حد کافی آشناست و مطالب زیادی در این باره تهیه و منتشر کرده است (پیوند مطالب مربوط به جنگ اخیر در زیر)، سؤال می‌شود: آیا تصمیم‌گیران و طراحان عملیات ۷ اکتوبر، عواقب و پیامدهای حداقلی و حداکثری آن را محاسبه و پیش‌بینی کرده بودند؟

پرسشم را با یک پرسش دیگر، واضح‌تر بیان می‌کنم: آیا درست است که مثلاً چند صد نفر مارکسیست حتی مارکسیست‌تر از مارکس در منتهن جمع شوند و برای سرنگونی رژیم جعلی-جنائی امپریالیسم امریکا به یک اقدامات متهورانه با علم به این که نتیجه‌اش نابودی کامل خودشان است، دست بزنند؟
با این اوصاف، آیا کسی حاضر است در یافتن پاسخ این پرسش کمک کند؟

مطالب مرتبط

- [نوادگان بالفور و نسل‌کشی در فلسطین](#)
 - [اسرائیل در مقابل حماس](#)
 - [عملیات زمینی در نوار غزه- خطوط، پیش‌بینی‌ها و پیامدها](#)
 - [کشورهای همسایه ممکن است به جنگ اسرائیل کشیده شوند](#)
 - [کالای پر فروش](#)
 - [اسرائیل - غزه و اقتصاد درگیری در خاورمیانه](#)
 - [دلایل شکست اطلاعات و ارتش اسرائیل](#)
 - [موانع غیرقابل عبور در مقابل طرح اسرائیل برای «پاکسازی قومی» غزه](#)
- برگرفته از: [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#) (تا ملاحظات مترجم).

۲۹ مهر-میزان ۱۴۰۲